

در مسیر

۲

بخش دوم

سرآغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سمت رشد و کمال، اندیشه و تفکر است؛ موضوعی که در بخش اول با محوریت تفکر پیرامون خدا، آثار و صفاتش، سنت‌های او در جهان هستی به ویژه زندگی انسان، به آن پرداختیم.

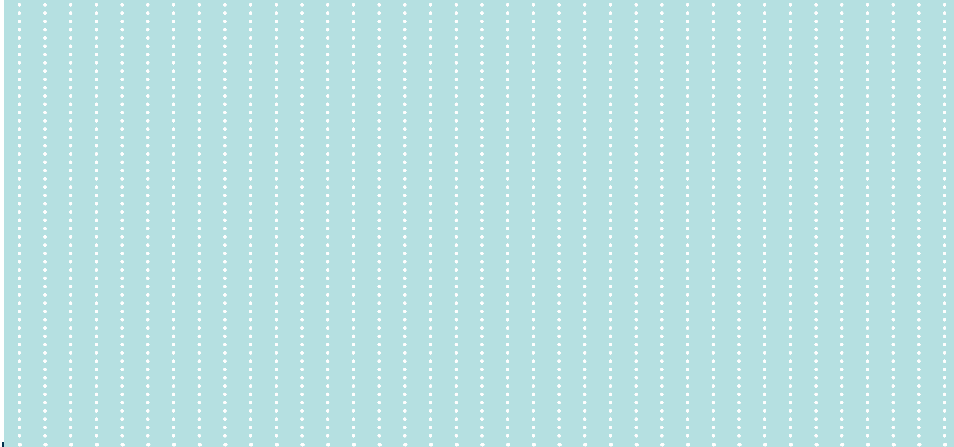
اما گام بعد، حرکت برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است که با انجام دادن مجموعه‌ای از کارها (واجبات) و ترک برخی از امور (محرمات) در قلمروهای مختلف ممکن است.

هرچند این مسیر با دشواری‌هایی ممکن است همراه باشد اما یادمان نرود که خداوند، قدرتمندترین قدرتمندان، پشتیبان ما در این مسیر است:

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا^۱

و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست، هدایت کند.

۱- سوره نساء، آیه ۱۷۵.



وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ
 وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي
 السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَ الْعَافِينَ عَنِ
 النَّاسِ ۗ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا
 فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا
 لِذُنُوبِهِمْ ۗ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ ۗ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ
 مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ هُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن
 رَبِّهِمْ وَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ
 نِعَمَ أَجْرًا الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا
 فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿١٣٧﴾
 هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَ
 لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزکاران آماده شده است، بشتابید. ﴿۱۳۱﴾

[پرهیزکارانی] که از مال خود به فقرا در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از [خطای] مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. ﴿۱۳۲﴾

[همانانی] که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و [نیز] بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آنکه می‌دانند [گناه است]، پافشاری نمی‌کنند. ﴿۱۳۳﴾

آنان، پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان و بوستان‌هایی است که از زیر [درختان] آن، جویبارها روان است. جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل چه نیکوست. ﴿۱۳۴﴾

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی وجود داشته [و سپری شده] است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟ ﴿۱۳۵﴾

این [قرآن] برای مردم، بیانی [روشن]، و برای پرهیزکاران، رهنمود و اندرزی است. ﴿۱۳۶﴾

و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین نشوید، که شما برترید. ﴿۱۳۷﴾



درس هفتم

بازگشت



خدای متعال به حضرت داود علیه السلام فرمود :

«ای داود! اگر آنان که از من روی گردانده‌اند می‌دانستند که چگونه انتظار آنها را می‌کشم و شوق بازگشتشان را دارم، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می‌دادند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می‌گسست.»^۱

تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامه راه نیست، بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیان‌باری برجای گذاشته است. این‌گونه تصمیم‌ها «توبه» نام دارد. در این درس می‌خواهیم بدانیم حقیقت توبه چیست؟ و بازگشت حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱- «یا داوود! لَوْ عَلِمَ الْمُذْبِرُونَ عَنِّي كَيْفَ اتِّظَارِي لَهُمْ وَسَوَقِي إِلَى تَوْبَتِهِمْ لَمَاتُوا شَوْقًا إِلَيَّ وَ لَتَفَرَّقَتْ أَوْصَالُهُمْ.» میزان‌الحکمه،

محمدی ری شهری، ج ۴، ص ۲۷۹۷.

عبد یا آزاد؟

صدای ساز و آواز بلند بود. هرکس که از نزدیک آن خانه با شکوه می‌گذشت، می‌توانست حدس بزند که در درون خانه چه خبر است! بساط عیش و میگساری پهن بود و جام شراب پیاپی نوشیده می‌شد.

زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود، از آنجا می‌گذشت. از آن زن پرسید:

صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

زن گفت: آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست!

آن مرد گفت: معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مدت بیشتری در بیرون خانه مکث کند. هنگامی که برگشت، اربابش پرسید: «چرا معطل کردی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت که، مردی با چنین وضع و شمایل می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.

شنیدن ماجرا، صاحبخانه را چند لحظه در اندیشه فرو برد. جمله «اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. یکباره از جا برخاست و به خود مهلت پوشیدن کفش را نداد. با پای برهنه به دنبال گوینده سخن رفت. دويد تا خود را به گوینده سخن، که امام موسی کاظم علیه السلام بود، رساند. در حضور امام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بُسر بن حارث که تا آن روز در زمره اشراف زادگان و عیاشان قرار داشت، در سِلک مردان پرهیزکار و خداپرست درآمد.^۱

انقلاب علیه خود

در میان مخلوقات، انسان موجودی است که علاوه بر ایستادگی در برابر موانع بیرونی، می‌تواند در برابر موانع درونی نیز ایستادگی کرده و حتی علیه خود انقلاب کند؛ بدین معنا که می‌تواند با پیروی از عقل، علیه تمایلات ناپسند خود قیام کند و انقلاب نماید.

۱- داستان راستان، مرتضی مطهری، داستان ۴۴

با توجه به آنچه در سال‌های قبل دربارهٔ «نفس اماره» و «نفس لوامه» و «خود دانی» و «خود عالی» آموخته‌اید، به سؤال زیر پاسخ دهید:

مقصود از انقلاب علیه خود چیست؟ کدام خود، علیه دیگری انقلاب می‌کند؟

.....

حقیقت توبه

توبه در لغت به معنای بازگشت است و در اصطلاح دینی، به معنای بازگشت از گناه به سوی خداوند و قرار گرفتن در دامن عفو و غفران اوست. این حالت وقتی رخ می‌دهد که انسان از گناه پشیمان شده و قصد انجام آن را نداشته باشد. با بازگشت بنده گناهکار، خداوند نیز به سوی او باز می‌گردد و درهای رحمتش را به رویش می‌گشاید و آرامش را به قلب او باز می‌گرداند.

همین که انسان بعد از انجام گناه، در دل احساس پشیمانی کند و زبان حالش این باشد که: «چقدر بد شد! چرا به فرمان خدا بی توجهی کردم؟ دیگر این کار را انجام نمی‌دهم» توبه انجام شده و گناه بخشیده می‌شود. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «برای توبه کردن پشیمانی کافی است.»^۱

چنین انسانی واقعاً در دل «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» را گفته است، گرچه آن را بر زبان جاری نکرده باشد. اما اگر بر عکس باشد، یعنی با زبان «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» بگویند اما در قلبش پشیمان نباشد و قصد انجام دوباره آن گناه را داشته باشد، چنین کسی توبه نکرده است.

توبه و پاکی

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست و شو می‌دهد. به همین جهت این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» نیز می‌گویند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

أَلْتَائِبُ مِنَ الذَّنْبِ

كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ^۲

کسی که از گناه توبه کرده

مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است.

۱- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۲۶.

۲- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۲، ص ۱۲۶.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید :

التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ
وَ تَغْسِلُ الذُّنُوبَ^۱
توبه دل‌ها را پاک می‌کند
و گناهان را می‌شوید.

در اینجا باید به چند نکته توجه کرد :

۱- با توبه همه گناهان حتی شرک هم آمرزیده می‌شود.

خداوند به پیامبرش پیام می‌دهد که :

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ
بگو ای بندگان من که بسیار به خود ستم روا
داشته‌اید،

لا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا
إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^۲
از رحمت الهی نا امید نباشید،
خداوند همه گناهان را می‌بخشد،
چرا که او آمرزنده مهربان است.

۲- توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه اگر ایمان و عمل صالح نیز به دنبال آن بیاید، گناهان را به حسنات تبدیل می‌کند. خداوند می‌فرماید: «کسی که باز گردد و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می‌کند زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.»^۳

۳- توبه در جوانی آسان‌تر است و خداوند توبه جوانان را بسیار دوست دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «کسی نزد من محبوب‌تر از جوان توبه‌کار نیست.»^۴

۴- در توبه همیشه باز است، اما توفیق توبه همواره میسر نیست. باید لحظه‌های توفیق را شکار کرد و خود را در دامن مهر خداوند انداخت.

۵- تکرار توبه، اگر واقعی باشد، نه تنها به معنی دور شدن از خداوند نیست، بلکه موجب محبوب شدن انسان نزد خداوند و جلب رحمت او می‌شود. خداوند می‌فرماید :

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ
و يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ^۵
خداوند کسانی را که زیاد توبه می‌کنند، دوست دارد
و پاکیزگان را دوست دارد.

بنابراین، اگر کسی گناهی مرتکب شد و توبه کرد، اما توبه‌اش را شکست و دوباره مرتکب گناه شد،

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۲- سوره زمر، آیه ۵۳.

۳- سوره فرقان، آیه ۷۰.

۴- مشکاة الانوار، طبرسی، ص ۱۷۰.

۵- سوره بقره، آیه ۲۲۲.

هیچ مانعی ندارد که باز هم توبه کند و از خداوند عذرخواهی نماید؛ چراکه خداوند کسی را که فوراً از گناه خود ناراحت می‌شود و بسیار توبه می‌کند، دوست دارد؛ زیرا می‌بیند چنین فردی، با اینکه در دام گناه افتاده، اما قلبش نزد اوست و به سرعت از عمل خود پشیمان می‌شود.

بیشتر بدانیم

امام باقر (علیه السلام) به یکی از یاران خود فرمود:

ای محمدبن مسلم! گناهان مؤمن، وقتی که از آنها توبه می‌کند، بخشیده شده است. پس مؤمن، باید بعد از توبه کردن، عمل را از نو آغاز کند و زندگی را از سر گیرد. البته آگاه باش که این امتیاز فقط برای اهل ایمان است.

محمدبن مسلم از امام سؤال کرد: اگر مؤمن بعد از توبه و استغفار باز هم به طرف گناه بازگشت، آن وقت چه می‌شود؟

امام فرمود: ای محمدبن مسلم! تو خیال می‌کنی مؤمن از گناهش پشیمان می‌شود و از آن استغفار می‌کند، اما خداوند توبه او را قبول نمی‌کند؟!

محمدبن مسلم بار دیگر می‌پرسد: حال اگر این توبه شکستن را بارها تکرار کند و پس از هر گناه باز هم توبه کند و از خدا طلب بخشش نماید، باز هم قبول است؟

امام در جواب فرمود: هر وقت مؤمن با استغفار و توبه به سوی خدا باز گردد، خدا هم با بخشش به سوی او باز می‌گردد. سپس امام این آیه را خواند: «اوست که توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد و می‌داند که چه می‌کنید.»^۱

سپس امام به محمدبن مسلم تذکر داد و فرمود: مراقب باش مؤمنین را از رحمت خدا مأیوس نکنی!^۲

حیله‌های شیطان

شیطان، برای دور کردن انسان از توبه، تلاش فراوان می‌کند و با حیله و فریب مانع توبه انسان‌ها می‌شود، برخی از حیله‌های وی عبارتند از:

۱- ناامید کردن از رحمت الهی: ابتدا انسان را با این وعده که «گناه کن و بعد توبه کن!» به سوی گناه می‌کشاند و وقتی که او آلوده شد، از رحمت الهی مأیوسش می‌سازد و می‌گوید «آب که از سر

۱- سوره شوری، آیه ۲۵.

۲- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۳۴.

گذشت چه یک وجب، چه صد وجب.» در این حالت، انسان با خود می‌گوید که کار از کار گذشته و پروندهٔ عملم نزد خداوند آن قدر سیاه است که دیگر توبه‌ام پذیرفته نیست. درحالی که آدمی، هر قدر هم که بد باشد، اگر واقعاً توبه کند و نادم و پشیمان شود، حتماً خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد.

بازاً بازاً هرآنچه هستی بازاً
گر کافر و گبر و بت پرستی بازاً
این درگه ما درگه نومیدی نیست
صدبار اگر توبه شکستی بازاً

۲- به تأخیر انداختن توبه (تسویف): «تسویف» از ریشهٔ «سَوَف» و به معنای امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است. به عبارت دیگر، فرد گنهکار دائماً به خود می‌گوید «به زودی توبه می‌کنم» و این گفته را آن قدر تکرار می‌کند تا اینکه دیگر میل به توبه در او خاموش می‌شود.

این حيلهٔ شیطان، بیشتر برای گمراه کردن جوانان به کار می‌رود. به او می‌گویند تو هنوز جوانی و فرصت توبه داری، بالاخره در آینده می‌توانی توبه کنی. اما این یک دام است و سبب عادت جوان به گناه می‌شود، به طوری که ممکن است ترک گناه برایش سخت گردد.

درست است که هر وقت برگردیم خدا قبولمان می‌کند، اما اگر انسانی غرق گناه شود، دیگر معلوم نیست که میل به توبه پیدا کند. شاید گناه به قدری بر روحش غلبه کند که هیچ وقت قلبش از گناه پشیمان نشود و وقتی که پشیمانی قلبی نباشد توبه‌ای صورت نگرفته است.

بیشتر بدانیم

مولوی، دربارهٔ کسی که فریب شیطان را می‌خورد و توبه را به تأخیر می‌اندازد، مثال زیر را می‌زند:

در میان ره نشاند او خارین	همچو آن شخصِ درشتِ خوش سُخُن
پای خلق از زخم آن پر خون شدی	هر دمی آن خارین افزون شدی
پای درویشان بِحَسْتی زار زار	جامه‌های خَلق بدریدی زخار
گفت آری برکنم روزیش من	چون به جِدّ حاکم بدو گفت این بکن
شد درخت خارِ او محکم نهاد	مدتی فردا و فردا وعده داد
پیش آ در کار ما واپس مَعَزَّ	گفت روزی حاکمش ای وعده کَرَّ

تو که می‌گویی که فردا، این بدن	که به هر روزی که می‌آید زمان
آن درختِ بد جوان‌تر می‌شود	وین کَنده پیر و مضطر می‌شود
خارِبُن در قوّت و برخاستن	خارِکَن در پیری و در کاستن
خارِبُن هر روز و هر دم سبزتر	خارِکَن هر روز زار و خشک‌تر
او جوان‌تر می‌شود تو پیرتر	زود باش و روزگار خود مَبْرًا

۳- گام به گام کشاندن به سوی گناه: روش دیگر شیطان برای کشاندن انسان به شقاوت این است که او را گام به گام و آهسته به سمت گناه می‌کشاند تا در این فرایند تدریجی، متوجه زشتی گناه و قبح آن نشود و اقدام به توبه نکند؛ برای مثال، شیطان از همان ابتدا، انسان را به رابطه نامشروع با جنس مخالف دعوت نمی‌کند، بلکه در گام اول سخن از یک دوستی ساده به میان می‌آورد، دوستی‌ای که فقط در حد صحبت و درد دل کردن است، اما در گام‌های بعدی و به‌صورت تدریجی چنان این دوستی را پیش می‌برد که فرد خود را غرق در فساد و آلودگی می‌بیند.

مراحل تکمیلی توبه

توبه یا همان پشیمانی از گناه آثار و نتایجی دارد که در زندگی شخص توبه‌کننده خود را نشان می‌دهد؛ از جمله:

۱- تلاش در جهت دور شدن از گناه: توبه‌کننده تلاش می‌کند دیگر به سراغ گناهی که از آن پشیمان شده است نرود؛ زیرا انجام آن مساوی با شکستن توبه است که در آن صورت باز هم باید توبه کند. به عبارت دیگر، اگر توبه‌کننده حقیقتاً توبه کرده باشد، گرچه ممکن است به آن گناه علاقه‌ای هم داشته باشد، سعی خواهد کرد در عمل از آن دوری نماید؛ یعنی از افراد، مکان‌ها و موقعیت‌هایی^۳ که

۱- مثنوی، مولوی، دفتر دوم.

۲- قرآن کریم در مورد این روش شیطان، تعبیر «خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ» را به کار می‌برد؛ یعنی گام‌های شیطان. این تعبیر نشان می‌دهد که روش شیطان در گمراه نمودن افراد، تدریجی و گام‌به‌گام است و شیطان انسان را قدم‌به‌قدم به سوی پرتگاه می‌کشاند. اگر انسان بداند که قرار است روزی با فریب شیطان چه گناهان بزرگی را انجام دهد، به‌شدت از آن بیزاری می‌جوید و دوری می‌کند اما شیطان، انسان را فوراً به سمت آن گناه نمی‌برد، بلکه گام‌به‌گام و به‌تدریج قبح و زشتی گناه را در دل او از بین می‌برد تا در نهایت گناه بزرگ را مرتکب شود. قرآن کریم با اشاره به این روش شیطان این نکته را مطرح می‌کند که هدف نهایی شیطان آلوده کردن شما به انجام فحشا و منکر است و هر کس به دنبال گام‌های شیطان بیفتد عاقبتی جز انجام گناهان زشت و ناپسند ندارد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ... (سوره نور، آیه ۲۱).

۳- منظور از موقعیت‌ها، هرگونه فضایی است که می‌تواند موجب تحریک و سوق‌دادن انسان به سوی گناه شود، مانند حضور در برخی از گروه‌ها در فضای مجازی، مشاهده برخی فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای نامناسب و...

می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری گناه باشند، دوری می‌کند.

بررسی

برای اینکه حالت پشیمانی، به ترک گناه بینجامد، چه راه‌حلی را پیشنهاد می‌دهید؟

۲- جبران حقوق الهی و حقوق مردم: توبه‌کننده تلاش می‌کند حقوقی را که با گناه خود ضایع

کرده است جبران نماید. دسته‌ای از این حقوق، مربوط به خداوند است. مهم‌ترین حق خداوند نیز، حق اطاعت و بندگی اوست. توبه‌کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود را در پیشگاه خداوند جبران کند؛ برای مثال، نمازها یا روزه‌های از دست‌داده را به تدریج قضا نماید و عبادت‌های ترک شده را به‌جا آورد.

البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه‌کار تلاش خود را کرده و نتوانسته همه گناهان را جبران کند، بقیه موارد را خود جبران نموده و او را عفو می‌کند.

دسته‌ای دیگر، حقوق مردم است. توبه‌کننده باید بکوشد اگر ستمی بر مردم کرده است آن را جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به‌دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، به نیابت از آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر و طلب آمرزش نماید.^۱ توجه کنیم که حقوق معنوی انسان‌ها بسیار مهم‌تر از حقوق مادی آنان است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا راه‌انداختن یک شبکه اجتماعی گمراه‌کننده در فضای مجازی، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه‌کننده به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.

خودارزیابی

رفتار و اخلاق خود را ارزیابی کنید و ببینید به کدام یک از حقوق خداوند و مردم کمتر توجه کرده‌اید. آنها را یادداشت کنید و برای جبران آن برنامه‌ریزی نمایید.

۱- محجة البیضاء، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۲۷۳.

توبه اجتماعی

آنچه تاکنون گفته شد مربوط به توبه فردی بود؛ اما جامعه هم اگر در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت خداوند خارج شد، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح، یعنی نیازمند «توبه اجتماعی» است. انحراف‌های اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه‌گرفتن، بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم‌پذیری و اطاعت از غیر خدا از جمله این بیماری‌ها و انحراف‌هاست.

مهم‌ترین راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری‌ها انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی‌تر و محکم‌تر می‌شوند و در تمام سطوح جامعه نفوذ می‌کنند. در واقع اگر مردم در برابر این گناهان حساسیت نشان دهند و در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را اصلاح کنند، به آسانی می‌توانند مانع گسترش گناهان شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به تدریج انحراف از حق بیشتر و بیشتر شود، اصلاح آن مشکل می‌شود و نیاز به تلاش‌های بسیار و فعالیت‌های اساسی و زیربنایی پیدا می‌شود تا آنجا که ممکن است نیاز باشد انسان‌های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی برهانند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟

سراسر عمر ظرف زمان توبه است^۱، اما بهترین زمان برای توبه، دوره‌ای است که امکان توبه بیشتر و انجام آن آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. بر این اساس، باید به این نکته توجه کنیم:

دوره جوانی دوره انعطاف‌پذیری، تحوّل و دگرگونی و دوره پیری دوره کم‌شدن انعطاف و تثبیت خوی‌ها و خصلت‌هاست. اگر در دوره جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد و ماندگار شد خارج کردن آنها در پیری بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. صفات ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه ریشه‌های نهالی هستند که در ابتدا نفوذ کمی در خاک دارد اما هر قدر زمان می‌گذرد، نفوذ آن بیشتر می‌شود و قوی‌تر می‌گردد تا جایی که کندن آن درخت بسیار سخت می‌شود. از این رو، توبه در جوانی بسیار آسان‌تر از زمان پیری است.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۴۰، کتاب کفر و ایمان.

امام خمینی علیه السلام خطاب به جوانان می نویسد :

«بهارِ توبه ایام جوانی است که بار گناهان کمتر و تیرگی قلب و ظلمت درون اندک تر و شرایط توبه سهل تر و آسان تر است. انسان در پیری حرص، طمع، حبّ جاه و مال و طول آرزویش بیشتر است، و این به تجربه ثابت شده است و حدیث شریف نبوی شاهد بر آن است^۱. فرض کنیم که انسان بتواند در ایام پیری به توبه اقدام کند، [اما] از کجا که به پیری برسد و اجل، او را در سن جوانی و در حال اشتغال به نافرمانی نر باید و به او مهلت دهد؟...

پس ای عزیز، از فریب‌های شیطان بترس و در حذر باش، و با خدای خود مکر و حيله مکن که پنجاه سال یا بیشتر شهوت‌رانی می‌کنم و دم مرگ با کلمه استغفار جبران گذشته می‌کنم؛ اینها خیال خام است. اگر در حدیث دیدی یا شنیدی که حق تعالی بر این امت لطف فرموده و توبه آنها را تا قبل از مشاهده آثار مرگ یا خود آن قبول می‌فرماید، صحیح است؛ ولی هیئات که در آن وقت توبه از انسان سرزند؛ مگر توبه لفظ است؟! اقدام به توبه زحمت دارد؛ ... چه بسا باشد که قبل از فکر توبه یا عملی کردن آن، اجل مهلت ندهد و انسان را با بار معصیت‌های سنگین و ظلمت بی‌پایان گناهان، از این جهان منتقل نماید. آن وقت خدا می‌داند که انسان به چه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها دچار می‌شود ...

پس ای عزیز، هرچه زودتر دامن همت به کمر بزن و عزم را محکم و اراده را قوی کن و از گناهان، تا در سن جوانی هستی یا در حیات دنیایی به سر می‌بری، توبه کن و مگذار فرصت خدا داد از دستت برود.^۲»

برخیز تا به عهد امانت وفا کنیم	تقصیرهای رفته، به خدمت قضا کنیم
بی‌مغز بود سر که نهادیم پیش خلق	دیگر فروتنی به در کبریا کنیم
دارالشفای توبه نبسته است در هنوز	تا درد معصیت به تدارک دوا کنیم
روی از خدا به هر که کنی شرک خالص است	توحید محض کز همه رو در خدا کنیم
چند آید این خیال و رود در سرای دل	تا کی مقام دوست به دشمن رها کنیم

۱- اشاره به این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله دارد که فرمودند: آدمی پیر می‌شود در حالی که دو صفت در او جوان می‌شود: حرص و آرزوهای

دور و دراز (بحار الانوار، ج، ۷، ص ۲۲)

۲- شرح چهل حدیث، امام خمینی علیه السلام، ص ۲۷۳ (با ساده‌سازی برخی کلمات و عبارات).

چون برترین مقام ملک دون قدر ماست چندین به دست دیو زبونی چرا کنیم^۱

پیشنهاد

مناجات التائبین را در کتاب «مفاتیح الجنان» بخوانید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) گناه چه آثاری در وجود انسان باقی می‌گذارد؟

ب) چه اموری است که جز خداوند دیگری توان انجام آن را ندارد؟

ج) خداوند چه راهی پیش پای گناهکار قرار داده که راه عذرآوردن را بر او بسته است؟

۱- سعدی، مواعظ، غزلیات، غزل ۵۰.